
جلسه اول

موضوع بحث حقوق جزای اختصاصی (۱) است. ابتداء باید تعریفی از حقوق جزای اختصاصی ارائه داد. در علوم انسانی تاریخ، واحد نیست. بنابراین لازم است مفهوم شناسی شود. تعریفی که از حقوق جزای اختصاصی بنده ارائه می دهیم:

«شاخه ای از حقوق جزاست که ضمن توصیف پدیده های مجرمانه به صورت مجزا ارکان هر جرم را تبیین و واکنش مقنن در قبال آن جرم و نیز احکام و مسائل خاص آن را بررسی می کند».

در این تعریف چهار محور داریم: شاخه ای از حقوق جزا است. جایگاه بحث این است. رسالتش این است که ضمن توصیف پدیده های مجرمانه به صورت مجزا:

محور اول: توصیف یعنی تعریف. اولین محور از اختصاصی این است که هر جرمی بحث می شود اول باید تعریف و توصیف شود. چه جرائم قبلی و چه جرائمی که بعدا خوانده می شود. تعریف کار مقنن است و اگر مقنن تعریف کند به آن مفهوم قانونی یا تعریف قانونی می گویند. ولی مقنن به عللی همچون بسیاری از قانونگذاران از انجام این تکلیف شانه خالی می کند یا به عرف محول می کند یا می خواهد مفهوم در تکامل و تحول باشد یا بدیهی می داند. یا اینکه از تعریف فرار می کند. اگر تعریف نشود در وهله اول حقوق افراد و آزادی افراد تهدید می شود مثلا جرمی داریم به نام تکدی گری و ولگردی یا کلاشی حال سوال می شود ولگرد یا کلاش به چه کسی اطلاق می شود؟ بنابراین ممکن است آزادی و حقوق افراد تهدید شود به اینکه آنها به آنها ولگرد یا کلاش تعقیب بشود در حالی که عملشان مشمول این عناوین مجرمانه نبوده است. کما اینکه در جرم خطیری توهین به مقدسات، مقدسات به چه چیزی اطلاق می شود؟ قلمرو آن کجاست؟ مقدسات یعنی چی؟ سب یعنی چه؟ هر کدام که تعریف نشود تبعاتی دارد. که اکثرا تعریف نکرده است. در حقوق جزا باید تعریف شود.

محور دوم: ارکان هر جرم، عناصر نمی گویم بلکه ارکان می گوئیم. ضمناً نمی گوئیم ارکان جرم سه مورد است می گوئیم دو رکن است: در جرم دو رکن داریم:

- رکن مادی.
- رکن معنوی.

زمانی می گفتند عناصر جرم چهارتا است. درحالی که ارکان درستتر است و هر جرم دو رکن بیشتر ندارد.

محور سوم: واکنش مقنن در قبال آن جرم. کیفر اصلی آن چیست؟ کیفر تبعی آن چیست؟

محور چهارم: احکام و مسائل خاص آن جرم، این جرم قابل گذشت است؟، قابل تعلیق است؟ معاونت در یک جرم، شرکت در یک جرم، و هر آنچه مربوط به آن جرم است.

اجمالاً در اختصاصی با تک تک جرائم کار داریم و در هر جرمی ورود پیدا کنیم این چهار محور بررسی می شود.

برای اینکه جرائم را مورد بررسی قرار بدهند اولین کاری که تقسیم جرم است ما در حقوق شرعی و هم در حقوق عرفی یا موضوعه با تقسیمات جرم مواجه هستیم.

الف: تقسیم جرائم در حقوق شرعی:

در حقوق شرعی، (شرعی در مقابل عرفی، و عرف در مقابل قانون) دو نوع تقسیم در مورد جرائم داریم:

تقسیم اول: جرائم علیه مصالح خمسسه:

یکی از تقسیمات جرائم علیه مصالح خمسسه است، مصالح خمسسه، مانند: نفس، نسل، عقل، دین، مال.

- نفس مثل قتل.
- نسل مثل زنا و لواط.
- عقل مثل شرب خمر و مانند آن.
- دین، مثل بدعت، سب، ارتداد.
- مال مثل سرقت.

این مصالح خمسسه تعبیر رایجی است اما قابل نقد است. در خود شرع مقدس چه کسی گفته است مصالح پنج مورد است؟ حصر ما نه عقلی است نه و استقراء تام است. سوال می کنم از شما، محاربه جرم علیه چیست؟ با فرض

اینکه کسی کشته نشود یا جرح نشود؟ محاربه سلب امنیت است آیا امنیت اجتماعی مصلحتی نیست و محاربه در متن قرآن نیامده است. از ریشه «حرب»، به معنای سلب است و جنگ را «حرب» می گویند چون سلب جان می کند. محاربه را محاربه می گویند چون سلب امنیت می کند. محراب را محراب می گویند چون سلب غیر خدا می کند. آیا امنیت جامعه مصلحت، مصلحت ششم نیست؟ آیا محیط زیست مصلحت هفتم نیست؟ عرض این است که این مصالح یا خیلی کلی دیدند یا دقیق نیست.

تقسیم دوم: جرائم بر اساس کیفر آنها

وجه تقسیم این است که:

۱- جرائم یا مستلزم مطالبه است که قصاص و دیه می شود. در این صورت که مستلزم مطالبه (بزه دیده و شاکی) هستند:

▪ در جرائم عمدی قصاص با شرایط آن است.

▪ در غیر عمدی دیه است.

۲- یا مستلزم مطالبه نیست می شود حد و تعزیر.

▪ حد جایی است که مقدار، نوع و موجب آن تعیین شده است.

▪ جایی که تعیین نشده تعزیر است و محول شده به حاکم.

بنابراین فلسفه این تقسیم اینکه می گوئیم مجازات ها، حدود، قصاص، تعزیر، و بالفرض که دیه هم مجازات باشد که قطعاً نیست.

ب: تقسیم جرائم در حقوق عرفی یا موضوعه:

این تقسیم بندی از دیرباز تقسیم می شد به جرائم:

۱- جرائم علیه اشخاص

۲- جرائم علیه اموال و مالکیت.

۳- جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی.

آیا این تقسیم بندی کامل است؟ آیا تقسیم جامعی است؟ آیا همه جرائم را پوشش می دهد؟ پاسخ قطعاً منفی است از همین نکته منفی وارد تقسیمات جدیدی می شویم که این تقسیم را به فضل الهی شروع خواهیم کرد.

جلسه دوم

بیان شد در حقوق شرعی و عرفی تقسیماتی از جرم است. در حقوق عرفی تقسیم سنتی و رایج وجود دارد:

۱. جرائم علیه اشخاص، از تمایم جسمانی (جرح، قتل، سقط) تا شخصیت معنوی (مثل ۱- آزادی تن: مثل توقیف غیرقانونی، حبس غیرقانونی، مخفی کردن، آدم ربایی، بچه دزدی، ۲- آزادی روان: مثل تهدید، هتک حرمت منازل، مخابرات و مراسلات. ۳- و حیثیت: شامل توهین، افتراء، نشر اکاذیب، هجو)

۲. جرائم علیه اموال و مالکیت. مثل سرقت، کلاهبرداری، تخریب، خیانت ...

۳. جرائم علیه و علیه امنیت و آسایش. در قسمت آسایش جرائمی مثل جعل، ضرب سکه، توهین به مقدسات. در امنیت جاسوسی، محاربه، تحریک مردم به طغیان و شورش، فعالیت تبلیغی علیه نظام.

نکته: تقسیم فوق یک تقسیم رایج سنتی است و الا با توجه به تنوع جرائم امروزه ده ها تقسیم دیگر قابل بررسی است از قبیل: جرائم علیه اخلاق و عفت عمومی، محیط زیست، عدالت قضائی، جرائم اقتصادی، رایانه ای، تجاری، نظامی، مواد مخدر ...

در پودمان های آموزش قضات از این ده تقسیم شش تقسیم را می خوانند.

جرائم اقتصادی (اخذ پورسانت، پولشویی)، جرائم علیه اموال و جرائم تجاری سه عنوان مختلف است.

جرم شهادت دروغ و زور جرم علیه چیست؟ علیه اشخاص نیست شهادت زور ماده ۶۵۰ ق.م.ا جرمی است مطلق ای بسا دادگاه هم بپذیرد و علیه کسی هم تمام نشود شاید به نفع کسی باشد ولی کذب باشد، علیه اموال و مالکیت هم نیست. علیه امنیت و آسایش هم نیست. بنابراین این جرم را ذیل جرائم علیه عدالت قضائی بررسی می کنیم.

بیش از ۶۰ جرم در این حوزه است که در قانون آمده اهم این جرائم را به فضل الهی بررسی می کنیم.

این جرائم را در چند دسته مورد بررسی قرار می دهیم:

۱- دسته از جرائم هست مربوط به مرحله قبل از تعقیب است. تعقیب هنوز نشده اما جرم علیه عدالت است. یعنی جرائمی هستند که موجب می شود تعقیب آغاز نشود مثل خودداری کودک آزاری، یا خودداری مسئولان و

مدیران و سرپرستان از اعلان جرائمی مثل اختلاس، ارتشاء که در ادارات اتفاق می افتد ماده ۶۰۶. اینها موجب می شود عدالت قضائی اعمال نشود. چون تعقیب آغاز نمی شود.

۲- دسته دیگر در مرحله پس از تعقیب است و قبل از صدور حکم، مثلاً فرض کنید مساعدت در فرار^۱ متهم. یا مخفی کردن متهم. که در مواد ۵۴۸، ۵۴۹ و ۵۵۰ تعزیرات است. اینکه طرف متهم را فراری می دهد یا مخفی می کند یا برای فرار از محکومیت آن تلاش می کند در این دسته جای دارند.

۳- مرحله اصلی، مرحله صدور حکم است. در صورت حکم سوگند دروغ ماده ۶۴۹، شهادت دروغ ماده ۶۵۰، اعمال نفوذ (با چهار ماده قانونی).

۴- دسته از جرائم مربوط به مرحله اجراء است. مثل اینکه محکوم را فراری بدهند. یا مثلاً مانع اجرای مجازت شود.

۵- دسته از جرائم مربوط به بعد از اجرای حکم است. مثلاً فرض کنید طرف محکوم شده کسی سوء پیشینه او را از بین ببرد.

عدالت کیفری یا عدالت قضائی این دو تفاوت دارند. عدالت کیفری ربطی به بحث ما ندارد. بحث در خصوص عدالت قضائی است. در عدالت کیفری که بیشتر به مقنن مربوط است برقراری یک موازنه و تعادل میان ضرر و زیانی که از جرم متوجه جامعه می شود با ضرر و زیانی که از ناحیه مجازات متوجه مجرم می شود، در صورت توازن و تعادل می گویند عدالت کیفری رعایت شده است. عدالت کیفری در مرحله تقنین و تجریم است. حالا اینکه چقدر توازن و تعادل بوده جای بحث است در بسیاری از موارد رعایت نشده است. در قانون خانواده ترک انفاق ماده ۵۳ درجه شش است یعنی مردی که نفقه ندهد جرم تعزیری درجه شش مرتکب شده است. و اگر کسی در خیابان تظاهر به قدرت نماید طبق ۶۱۷ تعزیرات این جرم هم درجه شش است. انصافاً بین این دو توازن است کسی که به تظاهر به قدرت کرده با کسی که ترک انفاق کرده به یک اندازه به جامعه ضرر و زیان وارد کرده است. قبل از انقلاب ترک انفاق جرم بود اما نه به این صورت مقنن زیبا و عالی گفته بود: «هر مردی که به رغم تمکن مالی نفقه ندهد و طلاق نیز ندهد...» یعنی جرم انگاری را روی سوء استفاده از قدرت برده است. نه طلاق می دهد و نه نفقه می دهد، این تدبیر مقنن که جرم ترک انفاق را برابر درجه شش با تظاهر به قدرت درجه شش خلاف عدالت کیفری است. در یک کلام سخنی که حقوقدانان گفتند «یک فندق را نمی شود با پتک خرد کرد»

۱- «الفرار: الهرب، قال الله عز و جل: لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوْ الْقَتْلِ». حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الكلوم، ۱۲ جلد، دار الفكر المعاصر، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۲۰ ه ق؛ ج-۸، ص: ۵۰۷۲. «الفرار، بالكسر: الرّوغان و الهرب من شئٍ خافه». واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰ جلد، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۴ ه ق؛ ج-۷، ص: ۳۴۴.

همین عدالت کیفری است اگر کسی مرغی دزدیده است و حبس ابد برای او ببردند این خلاف عدالت کیفری است. بحث ما در عدالت قضائی است یعنی تمام رفتاری های که مانع اجرای عدالت در مرحله قضائی می شود. اعم از دادسرا و دادگاه و پلیس و نیروی انتظامی.

فرق عدالت با قسط؟ فرق عدالت با احسان؟ کدام مقدم است؟ عدالت یا احسان؟ فرق عدالت با انصاف، و جایگاه عدالت در حقوق ما؟ فرق عدالت با مساوات و مواسات؟

جواب پرسشهای کلاسی:

۱- وجه تسمیه شرع فقط در حیات بخشی نهفته است. رودخانه ای که از وسط شهر می گذرد را شریعه می گویند برای اینکه به آب برسند راه باریکی را حفر می کنند به آن راه باریک شرع می گویند. یعنی راهی که ما را به آب می رساند. خاصیت آب در سوره انبیاء آیه ۳۰ می فرماید: «وجعلنا من الماء کل شیء حیئ افلا یؤمنون» هر چیز زنده ای از آب است یعنی آب حیات بخش است. راهی که ما را به آب می رساند عرب می گوید شرع، دستورات الهی چون بنا است ما را زنده کند در سور مبارکه انفال آیه ۲۴ می گوید: «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم»، اجابت کنید دعوت خدا و رسولش را زمانی که شما را به چیزی می خوانند که ما را زنده کند.

۲- فرق روایت با حکایت: از فلان پادشاه حکایت می کنند ولی از امام صادق (ص) روایت می کنند، چرا به کار فقیه می گویند استنباط، از نکته ای (آب) که در شرع بیان شد.

۳- فرق بین عدالت و مساوات: مساوات دادن سهم یکسان و برابر است ولی عدلت حق هر کسی به آن مقداری که استحقاق دارد. مواسات در باب اخلاق مطرح می شود.

۴- فرق بین عدالت و احسان: خداوند می فرماید: «إن الله یأمرکم بالعدل و الاحسان»، به هر دو دستور می دهد بنابراین در مسائل اجتماعی عدالت مقدم است یعنی جامعه را با عدل می شود اداره کرد. اما در مسائل فردی احسان مقدم است. اگر بنا است از جیب خودتان مزد کارگر را بدهید سعی کنید محسن باشید بیشتر از حقش بدهید احسان است. در مسائل شخصی احسان مقدم است. در حقوق جامعه عدالت مقدم است.

۵- فرق قسط و عدالت: عدل حق کسی را دادن است در مقابل ظلم است، ولی قسط حق همه را دادن. یک عدالت فراگیر را قسط می گویند در مقابل قسط تبعیض می آید.

۶- فرق عدالت با انصاف و جایگاه انصاف در حقوق ما چیست؟ در قانون تقسیط می کنیم، اینکه مستثنیات دین را داریم، مهلت دادن ها، در بحث مصادره و مسائل شخصی را کنار می گذاریم، خواستگاه همه اینها انصاف است.

۷- چرا باید ارکان جرم گفت نه عناصر جرم؟ و چرا ارکان جرم رکن است و رکن قانونی را جزء ارکان محسوب نکردیم؟

جلسه سوم

اولین جرم در مرحله نخست یعنی قبل از تعقیب را مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

جرائم علیه عدالت قضائی در واقع جرائمی هستند که مسیر اعمال عدالت و اجرای عدالت را منحرف، متوقف یا به تاخیر می اندازد. یک اجراء داریم، یک اعمال داریم، مقنن ما سعی می کند از اعمال استفاده کند که اینک پلیس می گوید اعمال قانون. اجرای کیفر، یعنی اجرای فیزیکی، یعنی شلاق را بزنند و در حبس مثلا زندانی کنند. ولی اعمال که مقنن می گوید: «چگونگی تعیین کیفر و اعمال آن...» اعمال اعم از اجراء است می تواند حکمی باشد می تواند مادی باشد مثلا تعلیق، آزادی مشروط، عفو، دادن جایگزین حبس اعمال است. حالا جرائم علیه عدالت قضائی جرائمی هستند که در مرحله اجرای قانون از سوی قضات و مقامات قضائی مسیر اجرای عدالت منحرف یا به تاخیر می افتد یا متوقف می شود.

قبل از تعقیب، جرائمی است که مانع آغاز تعقیب می شود، بیش از ده جرم در این مرحله وجود دارد. جرمی که در این مرحله مهم است. ماده ۶۰۶ است. خودداری مقامات، مسئولین و روساء از اعلام جرائم است. قبل از این جرم دو جرم ساده دیگر مورد بحث قرار می دهیم.

اخفاء یا دفن جنازه و جسد مقتول

ماده ۶۳۶ و دفن اموات بدون رعایت نظامات ماده ۶۳۵:

در ماده ۶۳۶ در خصوص مخفی کردن یا دفن جسد مقتول با علم به قتل ... مجازات تعیین شده است. حبس درجه شش (سه ماه و یک روز تا یک سال).

در ماده ۶۳۵ می گوید: هرکس بدون رعایت نظامات جنازه ای را دفن کند یا سبب دفن شود یا مخفی کند به جزای نقدی محکوم می شود.

اینکه از این دو از جرائم علیه عدالت این است، فلسفه جرم انگاری این جرائم است که مقنن خواسته است اگر کسی را به قتل می رسانند یا در مظان این است که به قتل رسیده است نباید آن را مخفی کنند یا فوراً دفن کنند تا

عدالت برای همیشه قربانی شود و اجرا نشود. این عمل جرم علیه اشخاص نیست چون دفن جسد مسلمان واجب است پس علیه اشخاص نیست. علیه امنیت و آسایش و اموال هم نیست. بنابراین علیه عدالت است چون تدبیر مقنن یک تدبیر پیشگیرانه است که مباد با دفن بدون اجازه موجب قربانی شدن عدالت شوند. یعنی نگذارند در صورت قتل، کشف شود که قاتل تعقیب شود و حق اولیاء دم تضييع نشود.

دفن جنازه

ماده ۶۳۵ گفته است: «هر کس بدون رعایت نظامات مربوط به دفن اموات جنازه ای را، دفن کند یا سبب دفن شود، یا آن را مخفی کند به جزای نقدی ... محکوم می شود».

در این ماده چند نکته است:

۱- دفن جنازه مستحب است فوراً، بخاطر آلودگی ها، با وجود این اگر بدون رعایت نظامات انجام شود جرم است. منظور از نظامات کدام نظامات است؟ برای اموات دو دسته نظامات است:

▪ نظامات شرعی:

▪ نظامات و تشریفات قانونی مربوط به دفن اموات.

مسلمان این نظامات، نظامات مربوط به امور مذهبی نیست. مثلاً غسل یا نماز ندهند اینها گناه دارد اما مراد مقنن نظاماتی است که در آیین نامه ها آمده است. آیین نامه ها مربوط به گورستان ۱۳۱۹، مثلاً فرض کنید از مسلمات است اخذ پروانده دفن از پزشک معالج، اگر مریضی است پزشکی معالجه دارد حالا بمیرد، آن پزشک باید پروانه دفن صادر کند. و اگر طرف به قتل رسیده است از پزشکی قانونی مجوز دفن بگیرند. اگر کسی از دنیا رفته فوراً او را دفن کنند. این نظامات، نظامات مدون قانونی است. بنابراین برای پیشگیری از تضييع حق دفن را ممنوع کردند. نکته دیگر شاید طرف نمرده باشد، ممکن است در کما باشد یا در حیات نباتی باشد.

۲- لفظ جنازه، «جنازه ای را دفن کنند» جنازه مطلق است فرق نمی کند کامل باشد یا بخش عمده ای جنازه باشد یا متلاشی باشد، فرق نمی کند مدت زیادی از آن گذشته باشد یا نباشد. آنچه از این جنازه خارج می شود جنین است چون جنازه منصرف به جنازه انسان است جنین داخل در تعریف نیست. کما اینکه به یک دست، یک انگشت، یک پا اطلاق جنازه نمی شود. جنازه یا باید کامل باشد یا اگر کامل نیست قسمت های معظم و مهم بدن باشد. مثلاً کل بدن است ولی یک پا نیست، باز هم جنازه است.

۳- عمل مخفی کردن، مستمر است. هر جای که عمل مخفی کردن در قانون آمده، مخفی کردن مال، مخفی کردن جاسوس، آدم ربایی، مستمر است. اما دفن کردن جرم آنی است. فرقی نمی کند که در آب دفن کنیم یا در خشکی. اگر جنازه را از بین ببرند یا آتش بزنند، این جنایت علیه میت است و مجازت و دیه خاص خودش را دارد.

۴- در خصوص سوء نیت در ماده: سوء نیت ماده صرف است، لازم نیست سوء نیت خاصی در میان باشد همین که جسد را دفن کنند یا مخفی کنند جرم واقع شده است. مگر اینکه ثابت کنند از روی اضطرار است که در این صورت رافع است.

خلاصه: نظامات قانونی مدنظر است، جنازه مطلق است، جنین خارج می شود؛ جنازه منصرف به انسان کامل است، عمل مخفی کردن مستمر است، برخلاف دفن که آنی است، و سوء نیت خاصی در این جرم شرط نیست.

سوال: اگر جنازه دفن شده، بعد به هر علتی قانونی یا غیر قانونی نبش قبر شده یا به شکل طبیعی بیرون آمده، برای بار دوم اگر بدون رعایت نظامات دفن شود، باز مشمول این ماده است؟ (دفن مجدد)

سوال: دفن یا مخفی کنند؛ اگر هر دو کار را انجام دهد، امروز مخفی کرد که امشب دفن کند، آیا دو جرم مرتکب شده است یا یک جرم؟

جلسه پنجم

ماده ۶۳۶ موضوع دفن جسد مقتول است:

هر کس جسد مقتولی را با علم به قتل مخفی کند یا قبل از اینکه به اشخاصی که قانوناً مأمور کشف و تعقیب جرائم هستند خبر دهد آن را دفن نماید به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال محکوم خواهد شد.

این ماده نسبت به ماده قبل نکات بیشتری دارد:

۱- در این ماده با مقتول مواجه هستیم. کدام قتل؟ قتل در قوانین در سه مفهوم بکار رفته است:

- اول مجازات است. الان مقنن بیشتر از اعدام استفاده می کند قبلاً تا ۹۲ مرتب قتل بکار می برد مثلاً حد زنا در موارد زیر قتل است. یا اولین مجازات محارب قتل است.
- دوم: مفهوم لغوی قتل، کشتن.
- سوم: قتل جرمی مدنظر است. یعنی کشتن بدون مجوز قانونی.

این مقتول کدام قسم است؟ مقتولی که با قتل جرمی کشته شده باشد به عنوان جنایت و جرم. و اگر کسی را اعدام کنند و آن را دفن کنند و بدون رعایت نظامات، مشمول این ماده نیست. مشمول ماده ۶۳۵ است. یا کسی خودکشی کرده دفن این شخص مشمول این ماده نیست. یا کسی در دفاع مشروع به قتل رسیده باشد، و کسی رانندگی می کرده واژگون کرده و از دنیا رفته است. این مقتول در ماده مقتول جرمی است روی آن جنایتی واقع شده است. جسدی از کوه افتاده شما داشتید رد می شدید، این جسد را می بینید و دفن می کنید این ماده ۶۳۵ است. مگر اینکه ثابت شود او به قتل رسیده یا علم به قتل داشته باشید.

۲- «هرکس...»، مراد از هرکس کیست؟ آیا همه افراد غیر از خود قاتل است؟ یا همه افراد حتی خود قاتل است؟ کلید پاسخ به سوال این است که آیا میان ارتکاب قتل و دفن کردن یا مخفی کردن مقتول تلازم عرفی وجود دارد مثل سرقت مال دیگری و مخفی کردن آن توسط سارق. اگر بگویید که تلازم عرفی وجود دارد، در این صورت مخفی کردن توسط قاتل جرم جدیدی نخواهد بود مثل مخفی کردن مال مسروقه توسط سارق، جرم جدیدی نیست. و ماده ۶۳۶ منصرف به غیر قاتل است. اما اگر بگویید هیچ تلازمی نیست قتل و مخفی کردن جدا از هم است به ویژه در قتل های غیر عمدی مثل تصادفات رانندگی. در این صورت ماده حتی قاتل را هم شامل می شود. شاید وجه سومی باشد، به این که در قتل عمد تلازم است ولی در خطا و شبه عمد چنین نیست.

۳- «جسد»: عرفا باید صدق جسد بکند به این معنا که کامل باشد یا قسمت عمده جسد باقی مانده باشد پس دفن یک ناخن یا مقداری مود یا انگشت مشمول ماده نیست.

۴- در ماده فرقی نمی کند مقتول ما به قتل عمدی کشته شده باشد یا خطایی یا در تصادفات، یعنی علت قتل اصلا مهم نیست.

۵- فرقی نمی کند مقتول مسلمان باشد یا غیر مسلمان.

۶- جسد مخصوص انسان کامل است و به جنین صدق انسان نمی شود پس سقط جنین و دفن آن مشمول ماده نیست. کما اینکه قتل هم منصرف به انسان است، قتل در انسانی است که حیات مستقل و مستقره دارد. جنین چون حیات مستقره ندارد از صدق عنوان قتل خارج است لذا دفن آن هم از ماده خارج است.

۷- در عنصر معنوی ما گذشته از عمد در فعل، علم به مقتول بودن اثبات و احراز شود. باید ثابت شود که شخص این کار با علم به قتل انجام داده است.

۸- مخفی کردن وقتی صادق است که خود جسد باقی بماند اگر جسد را بسوزانند یا تکه تکه کنند یا جلوی حیوان بندازند یا در آب بندازند اینها جنایت بر میت است پس مخفی کردن با صدق بقای جسد متصور است. البته اگر در دریا باشد (وزنه ای به پای آن ببندند و در دریا بندازند) این دفن است.

۹- اگر همین مخفی کردن به عنوان اخفای ادله جرم و سعی در خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت باشد در این صورت تعدد معنوی خواهد بود بین این ماده (۶۳۶) و ماده (۵۵۴) یعنی یک رفتار است که هم مشمول این عنوان مجرمانه است و هم مشمول سعی و کمک در خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت، اخفای ادله جرم است در این صورت تعدد معنوی است (ماده ۱۳۱)

۱۰- اگر علم به قتل ثابت نشود در بسیاری از این موارد مشمول ماده ۶۳۵ خواهد شد.

(هرکس، باید صدق جسد کند، نوع قتل مهم نیست، مسلمان و غیر مسلمان مهم نیست، منحصر است به انسان و جنین خارج است، قتل جرمی مدنظر است، عنصر معنوی جرم، در مخفی کردن جسد باید باقی بماند، تعدد معنوی)

اگر یک مرحوم و یک مقتول و هر دو را مخفی کنند، آیا این دو جرم است یا یک جرم است؟

در یک محموله یک کیلو تریاک داشته باشیم و صد گرم مثلاً شیشه داشته باشیم یک جرم است یا دو جرم؟

در جلسه بعد ماده ۶۰۶ محل بحث است راجع به ۶۰۶ یعنی خودداری رؤسا، مسئولان از اعلام وقوع جرم در اداره، بیش از ده نکته است که بیان خواهد شد. منظور از مدیر و رئیس کیست؟ قلمرو مکانی جرم، قلمرو موضوعی جرم؟ آیا این جرم باید از سوی کارمندان اتفاق بیفتد؟ یا از سوی هرکس؟

سوال: خودداری از اعلام ارتکاب (ارتشاء یا اختلاس) جرم آنی است یا جرم مستمر است؟ این جرم مطلق است یا مقید؟ در چه زمانی باید اطلاع بدهد؟ در چه زمانی باید مطلع بشود؟ آیا صرف وظیفه اطلاع دارد یا باید ادله را هم جمع آوری کند؟

جلسه ششم

جرائم علیه عدالت در پنج دسته تقسیم می شود: ۱- قبل از تعقیب، ۲- بعد از تعقیب تا صدور حکم، ۳- زمان صدور حکم، ۴- اجرای حکم ۴- و بعد از اجرای حکم.

دو جرم دفن جنازه بدون رعایت نظامات نسبت به مرحوم و دیگری مخفی کردن یا دفن کردن جسد مقتول با علم به قتل است. دو ماده ۶۳۵ و ۶۳۶ هم مطالعه شد.

بررسی جواب های دو سوال جلسات قبل:

سوال اول: اگر جنازه ای قبلا دفن شده (با رعایت نظامات یا بدون رعایت) به یک عللی نبش قبر شود (طبیعی یا غیر طبیعی) حالا که نبش قبر است آیا نیاز است باز هم برای دفن مجدد نظامات قانونی رعایت بشود یا خیر؟ جرم ماده ۶۳۵ برای جنازه ای است که تا به حال دفن نشده یا اعم از این که دفن شده و دوباره نبش قبر شود؟
جواب: از شمول ماده خارج است.

(در تفسیر: اول تفسیر منطقی است، بعد مضیق بعد تفسیر به نفع متهم)

(در جرم ماده ۶۳۵ سوء نیت عام وجود دارد. اصل بر این است که در همه جرائم سوء نیت عام وجود دارد)

سوال دوم: مخفی کردن و دفن کردن یک جرم است یا دو جرم؟

جواب: یک جرم محسوب می شود. اگر در راستای هم باشند مخفی کرده تا امشب مثلا دفن کند این قطعا یک جرم است. از آن جهت که در راستای هم است. اگر هیچ ارتباطی نداشت امروز طرف جنازه را مخفی کرد بعد در اختیار اولیاء دم قرار داد سپس جنازه را برداشت و دفن کرد. در این صورت یک جرم نیست بلکه دو جرم است.